

بانک توسعه اسلامی و همگرایی در خاورمیانه

ابراهیم عباسی*

استادیار علوم سیاسی و مطالعات منطقه‌ای دانشگاه شیراز

یوسف علیمردانی

کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای دانشگاه شیراز

چکیده

همگرایی فرایندی است که جهانی شدن آن را گسترش داده است. نظریه‌های سیاسی و اقتصادی متعددی به تبیین این فرایند پرداخته‌اند. از این میان، نظریات کارکردگرایان، نوکارکردگرایان و مکتب ارتباطات به شکل بهتری این مسئله را بررسی کرده‌اند. این نظریه‌ها بر این اعتقادند که برای رسیدن به همگرایی باید فعالیت‌ها و تلاش‌های هم‌گرایانه از مسائل ابتدایی اقتصادی آغاز شود، زیرا همکاری در زمینه اقتصادی ممکن است به شکل مؤثرتری نسبت به همکاری در حوزه‌های دیگر موجب تقویت و ارتقای همکاری در سطوح مختلف میان کشورها شود. بانک توسعه اسلامی که یک نهاد مالی توسعه‌ای وابسته به سازمان همکاری اسلامی است و تمامی کشورهای اسلامی عضو آن هستند، همکاری‌های اقتصادی گسترده‌ای با اعضا دارد و فعالیت‌های متعددی در حوزه‌های تجاری، مالی، توسعه نیروی انسانی و سرمایه‌گذاری مالی و کاهش فقر و غیره انجام می‌دهد. فرض مهم این پژوهش آن است که به نظر می‌رسد بانک، مرحله خیز و اشاعه مورد نظر نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل را در مسیر همگرایی تأمین کرده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد فعالیت‌های بانک موجب تقویت تجارت، ارتقای سرمایه‌گذاری، بهبود زیرساخت‌ها و تقویت نیروی انسانی و کاهش فقر می‌شود. بدین‌سان باعث پیوند بیشتر کشورهای خاورمیانه شده، آن‌ها را برای همکاری بیشتر و نیل به همگرایی مجاب می‌کند.

واژگان کلیدی: همگرایی، همگرایی اقتصادی، بانک توسعه اسلامی، خاورمیانه.

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۶/۱۷ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۳/۹/۱۰

۱. مقدمه

خاورمیانه یکی از راهبردی‌ترین (strategic) مناطق جهان امروز به حساب می‌آید. ویژگی‌های ژئوپلیتیکی (geopolitical)، ژئوآکونومیکی (geoeconomical) و ژئوکالچری (geocultural) آن سیمای خاصی به این منطقه داده است. وجود تعارضات پیچیده در عین شباهت‌های فراوان، وجه حاکم بر این منطقه است. هیچ منطقه‌ای را نمی‌توان به پیچیدگی آن یافت، تحولات امروز نیز نشان از آن دارد. از سوی دیگر در هر منطقه‌ای می‌توان سازمان‌ها و نهادهایی که مسیرهای مختلفی از همگرایی را به تناسب ویژگی‌های آن منطقه به نمایش می‌گذارند سراغ گرفت. لیکن در خاورمیانه، این مسیر؛ پیچیده، سخت و ناهموار است.

هر چند برخی از نشانه‌های همگرایی در حوزه‌های اقتصادی و سیاسی در نهادهایی همچون اکو، شورای همکاری خلیج فارس، اوپک و اتحادیه عرب وجود دارد، اما هر یک از این سازمان‌ها، تعدادی از کشورهای منطقه را در خود جای داده‌اند و برخی دیگر از کشورهای خاورمیانه خارج از هر یک از این بلوک‌بندی‌ها هستند؛ به عنوان مثال سازمان اکو در منطقه خاورمیانه تنها در برگیرنده کشورهای ایران، پاکستان، افغانستان و ترکیه است. شورای همکاری خلیج فارس شامل شش کشور عرب حوزه خلیج فارس است و اتحادیه عرب نیز شامل کشورهای عرب منطقه است و کشورهای غیر عرب در آن جایگاهی ندارند، سازمان اوپک در خاورمیانه نیز تنها شامل چند کشور صادرکننده نفت می‌شود. با این همه، برخی از این سازمان‌ها چون اتحادیه عرب سیاسی بوده و برخی هم مثل اکو و اوپک اقتصادی بوده‌اند. بدین سان، تاکنون تجربه کشورهای خاورمیانه در تأسیس سازمان‌های فراملی تجربه ناموفقی بوده است. تجربه سازمان‌هایی چون اتحادیه عرب، سازمان اکو و شورای همکاری خلیج فارس همگی نشان می‌دهد که این تشکل‌ها در رسیدن به اهداف خود ناتوان بوده‌اند. هر کدام قبل از اینکه به اهداف خود برسند و به همگرایی ختم شوند تنها کارکرد ضعیفی را به اجرا گذاشته‌اند. راز این شکست در چیست؟ آیا نهادهایی در خاورمیانه هستند که امید رفتن به این مسیر را زنده نگه دارند؟ بانک توسعه اسلامی چه نقشی در مسیر همگرایی اقتصادی کشورهای خاورمیانه دارد؟ پژوهش مزبور تلاش می‌کند پاسخ به این پرسش‌ها را با بررسی موانع کشورهای خاورمیانه و سازمان‌های موجود در آن در تحقق همگرایی با تأکید بر بانک توسعه اسلامی انجام دهد؛ تنها نهادی که با دربر گرفتن همه حوزه‌های خاورمیانه، تلاش برای تحقق مسیرهای نخست همگرایی دارد.

فرضیه پژوهش

بانک توسعه اسلامی با گستره قلمرو خود که همه کشورهای خاورمیانه را شامل می‌شود و از طریق تسهیل و گسترش روابط و مبادلات تجاری، سرمایه‌گذاری‌های مشترک، اقدام برای توسعه نیروی انسانی، کمک به کاهش فقر میان کشورهای خاورمیانه در گسترش همکاری بین کشورهای خاورمیانه که یکی از اشکال همگرایی است، نقش دارد و به ایفای مرحله خیز و

اشاعه مورد نظر کارکردگرایان و نوکارکردگرایان و نظریه پردازان ارتباطات در همگرایی اقتصادی که پیش درآمد همگرایی سیاسی پرداخته است.

روش پژوهش

روش پژوهش توصیفی - تحلیلی مبتنی بر گزارش‌های و اسناد با تأکید بر قابلیت و ظرفیت بانک توسعه اسلامی در خاورمیانه است. شیوه گردآوری اطلاعات نیز به شکل کتابخانه‌ای و استفاده از اسناد و گزارش‌های بانک درباره کشورهای خاورمیانه و همچنین استفاده از منابع اینترنتی است.

۲. چهارچوب نظری

برای «همگرایی»، تعاریف متعددی ارائه شده است؛ بنا بر تعریف مورتون کاپلان، همگرایی روندی است که طی آن سیاست‌های مجزا، چهارچوبی مشترک را تشکیل می‌دهند که قادر به رسیدن به اهداف و اقدامات سیاسی مشترک هستند. (عزیزیان، ۱۳۷۲: ۲۰) لئون لیندبرگ (Leon N. Lindberg) واژه همگرایی را به ترتیب زیر معنی کرده است:

۱. فرایندی که بر اساس آن دولت‌ها از اشتیاق و توانایی هدایت سیاست‌های کلیدی داخلی و خارجی به صورت مستقل از یکدیگر انصراف جسته و در عوض کوشش می‌کنند این تصمیمات را به صورت مشترک اتخاذ یا به مرکز جدید تصمیم‌گیری واگذار کنند.

۲. فرایندی که به موجب آن بازیگران سیاسی در قلمروهای متعدّد و مشخص متقاعد می‌شوند که انتظارات و فعالیت‌های سیاسی خود را به یک مرکزیت جدید احاله کنند. (کاظمی، ۱۳۷۰: ۳۸) همچنین همگرایی عبارت از فرایندی است که طی آن واحدهای سیاسی به طور داوطلبانه از اعمال اقتدار تام خویش برای رسیدن به هدف‌های مشترک صرف‌نظر کرده، از یک قدرت فوق ملی بی‌روی می‌کنند. (قوام، ۱۳۷۰: ۲۲۳)

ارنست هاس (Ernst Haas) به عنوان پیش‌تاز نظریه همگرایی آن را چنین تعریف می‌کند: «پروسه‌ای که به وسیله آن رهبران سیاسی چند کشور مختلف متقاعد و راغب می‌شوند که وفاداری (loyalties)، انتظارات و فعالیت‌های سیاسی‌شان را به سمت مرکز جدیدی که نهادهایش دارای اختیارات قانونی یا متقاضی اختیارات قانونی و رای اختیارات دولت‌های ملی باشد سوق دهند.» (سیف زاده، ۱۳۶۸: ۹۱) در روابط بین‌الملل، نظریه‌های گوناگونی به مبحث همگرایی پرداخته‌اند که مهم‌ترین آن‌ها به شرح زیر هستند:

الف) کارکردگرایی (functionalism)

کارکردگرایان خود را در طیف متفکران واقع‌گرا جای داده‌اند و با تأکید روی رفتار دوستانه و همکاری بین‌المللی، جنبه‌های تخاصم و رقابت‌های اختلاف‌انگیز را کنار می‌گذارند. آن‌ها به روابط بین‌الملل از دیدگاه سیاست همکاری نگاه می‌کنند و عقل و خرد را محور اصلی کار خویش قرار می‌دهند. کارکردگرایان با این شیوه منتظر روزی هستند که زنجیره‌های همکاری ایجادشده بین تأسیسات و ملت‌ها از فراسوی مرزهای سیاسی به هم متصل شده و زمینه اتحاد

و همبستگی دولت‌های ملی فراهم آید. (کاظمی، ۱۳۷۰: ۳۵) آن‌ها همچنین مدعی هستند که اگر بتوان همکاری را در فراسوی مسائل سیاسی تبیین کرد، امکان گرایش به سمت یک نوع همگرایی فراهم می‌شود. (کاظمی، ۱۳۷۰: ۳۵)

از دید میترانی ریشه‌های همکاری بین‌المللی در قلمرو وابستگی متقابل کارکردی جست‌وجو می‌شود. فرض او بر این است که سیاست و اقتصاد را می‌توان از هم جدا کرد. از این منظر آنچه به اقتصاد و حیات اجتماعی مربوط می‌شود در عرصه «سیاست پائین و ملایم» قرار می‌گیرد و امکان همکاری در آن راحت‌تر است. دولت‌ها وارد همکاری می‌شوند و در حوزه «سیاست پایین» به نهادها شکل می‌دهند. اقتدار خود در این حوزه‌ها را به این نهادها انتقال می‌دهند و این همکاری، زمینه همکاری‌های دیگری را فراهم می‌آورد؛ بنابراین، نظریه میترانی متضمن نوعی اصل اشاعه (Ramification) است که طبق آن توسعه همکاری در یک حوزه فنی به ظهور رفتار مشابهی در سایر حوزه‌های فنی منجر می‌شود، زیرا کارکردگرایان معتقدند که حوزه‌های انسانی و فنی در همگرایی کشورهای هم‌جوار مؤثرتر است. (اخوان کاظمی، ۱۳۸۳: ۱۷۱)

علاوه بر این، کارکردگرایان معتقدند همگرایی اقتصادی راه را برای یک همگرایی تدریجی سیاسی از طریق تمرکز در روند تصمیم‌گیری باز خواهد کرد که نتیجه آن بنای یک دولت جدید خواهد بود. (عزیزیان، ۱۳۷۲: ۲۷) آنچه در این نوع از کارکردگرایی مهم جلوه می‌کند «تصمیم‌گیری‌های اقتصادی گام به گام» است، یعنی مسائل اقتصادی کوچک بهتر از تصمیم‌گیری سیاسی عملکرد دارند. به عبارت دیگر، مقداری منافع اقتصادی مشترک در مسائل رفاهی و اقتصادی باعث می‌شوند اقتداری ماوراء ملی به تدریج پایه‌گذاری شود. تعهدات سیاسی از این دیدگاه هیچ‌گاه کاربرد بی‌سعت منافع اقتصادی نخواهد داشت و کارایی تعهدات اقتصادی بسیار فراتر از تعهدات سیاسی خواهد بود. (همان: ۲۹)

(ب) نظریه ارتباطات (Communications)

کارل دویچ (Karl Deutsch)، بیش از سایر نویسندگان معطوف به همگرایی، به استفاده از مفهوم ارتباطات پرداخته است. (دوئرتی و فالتزگراف، ۱۳۸۴: ۶۷۰) دویچ در رابطه با مفهوم ارتباطات بیان می‌کند: ارتباطات به تنهایی یک گروه را قادر می‌سازد که با هم فکر کنند، با هم ببینند و با هم عمل کنند، کل جامعه‌شناسی نیاز به این دارد که ارتباطات درک شود، ارتباطات در میان مردم ممکن است دوستی یا خصومت به وجود آورد و غیره. (محمدی، ۱۳۷۰: ۶۱) نقطه عزیمت نظریه دویچ این است که «شاخصه همه اجتماعات (Communities) میان اشخاص، وجود حجم چشمگیری از مبادلات میان آنهاست.» (مشیرزاده، ۱۳۸۶: ۴۱) فرضیه دویچ نیز بر این اساس استوار است که هر قدر میزان ارتباط یا وابستگی متقابل دولتی با دولت دیگر بیشتر باشد آن دولت یا دولت‌ها بیشتر به هم نزدیک و مرتبط می‌شوند. به عبارت دیگر، از منظر طرفداران نظریه مبادله، یک جامعه ممکن نیست وجود داشته باشد، مگر آنکه اعضای آن به

طور متقابل به هم وابسته باشند و چنین وابستگی متقابلی تنها از طریق شبکه‌ای از مبادلات متقابل ممکن است ایجاد شود. (محمدی، ۱۳۷۰: ۶۲)

بنابراین، مهم‌ترین مسئله‌ای که کارل دویچ در رابطه با همگرایی مطرح می‌کند ارتباطات است که نقش بزرگی در نزدیکی جوامع بازی می‌کنند و علاوه بر ارتباطات اجتماعی، تبادلات اقتصادی نیز مردم را به هم پیوند می‌دهند. (مشیرزاده، ۱۳۸۶: ۴۱) بر اساس الگوی دویچ، میزان همگرایی تابعی است از کیفیت مبادلات اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، نظامی و اجتماعی میان واحدهای سیاسی متفاوت. به اعتقاد وی، ارتباطات سیمان و بتون سازمان‌هاست و به تنهایی این امکان را فراهم می‌کند که گروهی با هم فکر کنند، با هم ببینند و با هم عمل کنند. (Deutsch, 1965) هر چه ارتباطات در زمینه‌های حمل‌ونقل، گردشگری، مراودات پستی، تجارت و مهاجرت و غیره بیشتر باشد، این جوامع بیشتر به هم نزدیک می‌شوند و به جای منازعه به همکاری روی می‌آورند. (کاظمی، ۱۳۷۰: ۲)

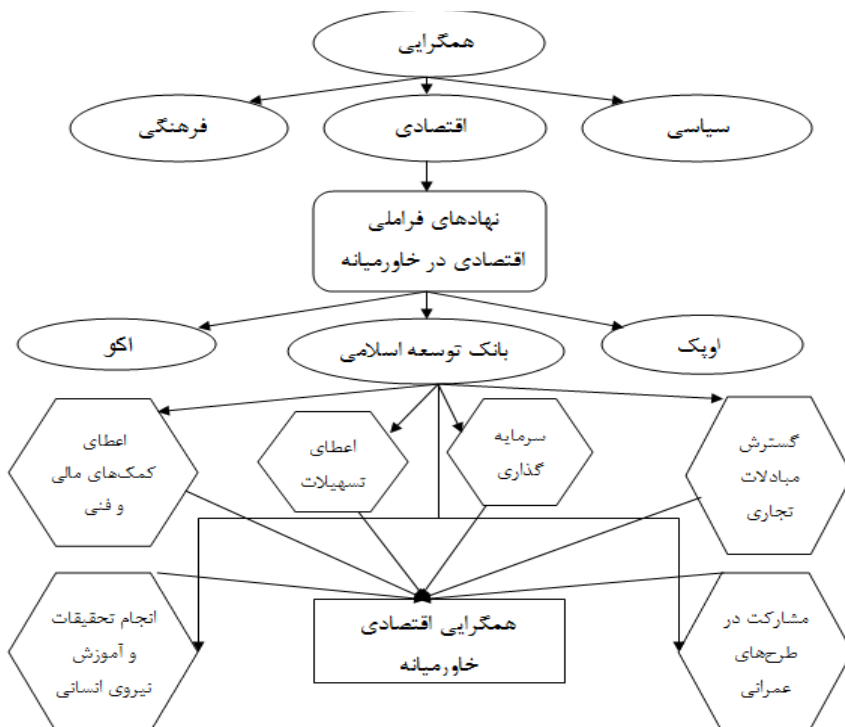
پ) نوکارکردگرایی (neofunctionalism)

نظریه نوکارکردگرایی مولود فکری نظریه کارکردگرایی است. نوکارکردگرایی عمدتاً به بسط، اصلاح، و آزمایش فرضیه‌های مربوط به همگرایی پرداخته است. نوکارکردگرایان توجه و فکر خود را به مسائل اقتصادی معطوف کردند. از نظر هاس، همکاری در حوزه سیاست ملایم آغاز می‌شود، اما او برخلاف میترانی اقتصاد و سیاست را کاملاً از هم جدا نمی‌گیرد و به اهمیت مسائل اقتصادی اذعان دارد. یکی از مفاهیم مورد استفاده هاس، «سرایت» (spill-over) یا سرریزی است. فرض او بر این است که ابعاد مختلف حیات اقتصادی به هم وابسته‌اند. در نتیجه، هر اقدامی برای همکاری در یک بخش، مستلزم همکاری در بخش‌های دیگر می‌شود و همکاری از یک بخش به بخش دیگر سرایت می‌کند؛ بنابراین، نوعی «منطق گسترش یابنده» (expansive logic) وجود داشت که به تسری یا پیشروی از بخشی به بخش دیگر کمک می‌کرد و ملت‌ها به وسیله این فرایند منافع ملی خویش را در یک محیط همگرایی وسیع‌تر ارتقا می‌بخشند. (دوئرتی و فالتزگراف، ۱۳۸۴: ۶۷۶) علاوه بر این، هاس معتقد است که هدف پیشبرد آرام همگرایی مستلزم وجود یک تعهد سیاسی مشترک بین اکثریت بازیگران و رهبران دولتی است. بعلاوه، وی هشدار می‌دهد که عواملی چند از جمله گام‌های بی‌سابقه سیاسی، منافع اقتصادی انفرادی و گرایش به سوی عظمت و شکوه ملی باعث از هم پاشیدگی این وحدت جمعی می‌شود. (سیف‌زاده، ۱۳۶۸: ۱۹۴)

از دیدگاه نوکارکردگرایی، شکل‌گیری همگرایی مستلزم طی سه مرحله اساسی مرحله خیزش؛ مرحله سرایت؛ مرحله پایانی است. عمده‌ترین علت شروع مرحله خیزش، پیدایش نیازهای اقتصادی و اجتماعی است که واحدها مجبور به ارائه پاسخ مناسب به آن‌ها هستند. به عبارتی، واحدها با مسائل و مشکلات متعددی روبه‌رو می‌شوند که عمدتاً جنبه فنی و تکنیکی دارد و پیچیدگی فزاینده‌ای را سبب خواهند شد که کارکردهای نوینی را در سیستم به وجود می‌آورند

و پاسخ به آن‌ها مستلزم ایجاد سازوکارهای نوینی است. با شروع مرحله خیزش و همکاری در زمینه‌های اقتصادی و فنی، در صورت مثبت بودن تجربه در این حوزه، همکاری‌ها ممکن است به سایر حوزه‌ها نیز سرایت کند و فشارهای فزاینده‌ای بر رهبران برای توسعه و گسترش این نوع همکاری‌ها وارد شود. با گسترش همکاری‌ها در یک گستره، فشار بر واحدها برای تحکیم اتحادهای ظاهرشده افزایش می‌یابد. این در حالی است که رقابت سایر واحدها خارج از گستره و تلاش آن‌ها نیز برای ایجاد اتحادهای نوین سبب تلاش واحدهای درگیر در فرایند همگرایی برای تلاش بیشتر برای همگرایی می‌شود. سرانجام مرحله نهایی همگرایی عیان می‌شود. (قاسمی، ۱۳۸۴: ۱۷۰)

درون‌مایه نظرات فوق در زمینه همگرایی آن است که برای ورود به عرصه‌ی وحدت و همگرایی باید از وجوه کارکردی، فنی و غیرسیاسی آغاز کرد تا زمینه تقرب دیدگاه‌ها فراهم شود و اینکه همگرایی یک‌باره رخ نمی‌دهد و با اقدامات موردی و مقطعی نیز دوام و قوام نخواهد داشت. برای رسیدن به آن مرحله باید از آزمون‌های مقدماتی همکاری متقابل و مشترک در زمینه‌های خیلی ساده، سرفراز بیرون آمد و آن‌گاه به مراحل جدی‌تر همکاری و در نهایت به آخرین مرحله همگرایی، یعنی همگرایی سیاسی نائل آمد. در پایان، مباحث بالا را می‌توان به شکل زیر مدل‌سازی کرد:



۳. خاورمیانه و همگرایی اقتصادی

با توجه به نظریه‌های موجود از همگرایی و فرایندهای که منجر به همگرایی بین کشورها شده، عوامل اقتصادی جزء عوامل اولیه‌ای بوده که در فرایند همگرایی مورد توجه قرار گرفته است و فعالیت حول محور اقتصادی بازده بیشتری نسبت به عوامل سیاسی، فرهنگی، امنیتی و غیره دارد؛ بنابراین، در حال حاضر اساس همگرایی در کشورهای (مناطق) مختلف، منافع اقتصادی و همکاری اقتصادی است و زمانی که منافع کشورها از طریق همگرایی تأمین شود آنان به این فرایند خواهند پیوست. کشورهای خاورمیانه هم در این خصوص درگیر منافع خاص خود هستند و تا زمانی که در فرایند همگرایی، منفعتی مشاهده نکنند، برای عضویت و همکاری در آن حاضر نخواهند بود. علی‌رغم وجود زمینه‌های متعدد برای همگرایی میان کشورهای منطقه خاورمیانه، این منطقه با مشکلات اقتصادی متعددی مواجهه است که موانعی اساسی در راه همگرایی این منطقه ایجاد می‌کند. به عنوان مثال، یکی از دلایل عدم همگرایی در منطقه خاورمیانه پایین بودن مبادلات تجاری درون منطقه است. کشورهای این منطقه در فاصله سال‌های ۲۰۰۶-۲۰۱۳ به طور متوسط سالانه حدود ۹۹۴/۸ میلیارد دلار کالا صادرات کرده‌اند که از این حجم، به طور متوسط سالانه حدود ۱۰۵/۵ میلیارد دلار آن مربوط به صادرات درون منطقه‌ای بوده و بقیه آن معادل ۸۸۹/۳ میلیارد دلار به مناطق دیگر جهان صادر شده است. (جدول ۱) به عبارت دیگر، در این دوره زمانی به طور متوسط تنها ۱۰ درصد از کل صادرات کشورهای منطقه خاورمیانه به درون منطقه بوده و ۹۰ درصد دیگر آن به خارج از منطقه بوده است. (جدول ۱)

جدول ۱- حجم و سهم تجارت داخلی درون منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای خاورمیانه؛ صادرات (میلیارد دلار و درصد)

سال	آمریکای شمالی		آمریکای مرکزی و چ		اروپا		CIS		آفریقا		خاورمیانه		آسیا		جهان	
	٪	\$	٪	\$	٪	\$	٪	\$	٪	\$	٪	\$	٪	\$	٪	\$
2013	8/2	110	11	11	10/6	143	6	6	2/8	38	10/1	135	52/2	703	1347	100
2012	8/7	118	11	11	11	148	7	7	2/9	39	8/6	116	54/2	732	1349	100
2011	8/6	107	10	10	12/6	158	6	6	3	38	8/8	110	52/8	660	1251	100
2010	8/8	79	7	7	12/1	108	5	5	3/2	29	10/0	89	52/6	471	895	100
2009	8/7	60	5	5	11/0	76	4	4	4/9	34	15/5	107	51/8	357	690	100
2008	11/4	1166/5	6/9	11	12/3	125/5	7/2	7	3/6	36/6	122/1	120	55/7	568/9	1021/2	100
2007	11/0	83/9	4/4	4	14/3	108/3	4/8	4	3/6	27/5	93/4	12/3	52/3	397/3	759/9	100
2006	11/2	72/3	4/4	4	15/9	102/8	3	3	3/2	20/9	71/6	11/1	52/60	339/6	645/5	100
متوسط	93/3	96/6	7/5	7	12/5	121/2	5/4	5	32/9	3	105/5	10	53	494/1	994/8	100

Source: World Trade Organization (WTO), International Trade Statistics 2007-2014

همچنین در همین دوره زمانی خاورمیانه به طور متوسط سالانه حدود ۵۸۷ میلیارد دلار کالا وارد کرده است. از این میزان حدود ۱۰۵/۵ میلیارد دلار آن درون منطقه‌ای و بقیه آن یعنی

حدود ۴۸۱/۵ میلیارد دلار آن را از دیگر مناطق جهان وارد کرده است که به طور متوسط سالانه حدود ۳/۸ درصد تجارت جهانی کالا را به خود اختصاص داده است. (جدول ۲)

جدول ۲. حجم و سهم تجارت منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای با خاورمیانه: واردات (میلیارد دلار و درصد)

سال	2013		2012		2011		2010		2009		2008		2007		2006		متوسط	
	%	\$	%	\$	%	\$	%	\$	%	\$	%	\$	%	\$	%	\$	%	\$
آمریکای شمالی	78	3/2	75	3/2	63	2/8	53	2/7	49	3/1	60/2	3	50/1	2/7	42/1	2/5	58/8	2/9
آمریکای مرکز و ج	18	2/5	17	2/3	18	2/4	15	2/6	11	2/5	11/9	2	9/1	1/8	7/9	1/8	13/5	2/2
اروپا	220	3/3	208	3/3	194	2/9	168	3	154	3/1	188/6	2/9	152/9	2/6	128/9	2/6	176/8	3
CIS	19	2/5	20	2/5	24	3	19	3/3	14	3/2	25	3/6	16/2	3/2	13/3	3/1	18/8	3
آفریقا	18	3	17	2/7	21	3/6	19	3/7	12	3	14	2/5	10/5	2/5	6/3	1/7	13/5	2/8
خاورمیانه	135	10/1	116	8/6	110	8/8	89	10	107	15/5	122/1	12	93/4	12/3	71/6	11/1	105/5	11
آسیا	270	4/7	260	4/6	242	4/4	198	4/2	163	4/6	196/4	4/5	150/4	4	111/4	3/4	198/9	4/3
جهان	760	4/2	714	4	672	3/8	561	3/8	510	4/2	618	3/9	483	3/5	381	3/2	587/4	3/8

Source: World Trade Organization (WTO), International Trade Statistics 2007-2014

دلیل حجم پایین مبادلات تجاری در خاورمیانه متعدد است. از جمله اینکه الگوی اقتصادی کشورهای خاورمیانه به نحوی شکل گرفته که تقریباً مشابه هم است. عمدتاً صادرکننده مواد خام خصوصاً نفت و واردکننده کالاهای صنعتی و اولیه هستند. این مسئله در کنار مسائلی از قبیل وجود قوانین و مقررات محدودکننده و بالا بودن سطح تعرفه‌های گمرکی، بسته بودن اقتصادها، عدم شکل‌گیری ساختار اقتصادی مناسب و اقتصادهای غیر مکمل و غیره مانعی در راه افزایش مبادلات تجاری میان کشورهای منطقه است. علاوه بر موارد فوق، با توجه به اینکه بخش خصوصی کشورهای اسلامی ضعیف‌تر از بخش خصوصی کشورهای صنعتی است و بخش عمده‌ای از مبادلات تجاری در کشورهای خاورمیانه توسط بخش دولتی صورت می‌گیرد، این امر باعث شده تا گرایش‌های سیاسی دولت‌ها خاورمیانه، مبادلات این کشورها را به میزان بیشتری تحت تأثیر قرار دهد. هر چه سهم بخش دولتی از مبادلات تجاری آن کشور بیشتر شود، مبادلات تجاری میان کشورهای خاورمیانه به همان اندازه تحت تأثیر روابط سیاسی کشورها قرار می‌گیرند. این مسئله نشانگر آن است که تجارت میان کشورهای خاورمیانه اغلب دست‌خوش سیاست است تا اقتصاد؛ بنابراین، ضعف بخش خصوصی منطقه، عاملی مهم در واگرایی میان کشورهای منطقه است.

به این ترتیب، می‌توان گفت به دلیل پایین بودن سطح مبادلات تجاری بین کشورهای خاورمیانه، کشورهای این منطقه در یک نوع انزوای اقتصادی با یکدیگر به سر می‌برند که یکی از موانع همگرایی میان کشورهای این منطقه است. به عبارتی، همکاری‌های گسترده یا همگرایی اقتصادی تا زمانی که تجارت میان کشورهای یک سازمان، اتحادیه و منطقه در سطح پایینی قرار داشته باشد، ممکن نیست تحقق عینی یابد. در کنار این عوامل، درحالی‌که در همگرایی، واحدها باید از سطح درآمدی تقریباً نزدیکی با یکدیگر برخوردار باشند، در منطقه

خاورمیانه و شمال آفریقا، اختلاف درآمدی میان کشورهای منطقه عمیق است. این مسئله، شکاف مهمی است که مانع همکاری میان کشورهای این منطقه می‌شود.

جدول (3)، درآمد سرانه کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا (2013) (GDP per capita (current US\$))

کشور	درآمد سرانه	کشور	درآمد سرانه
عربستان سعودی	25.961	امارات متحده عربی	43.048
ترکیه	10.971	ایران	4.763
اردن	5.214	یمن	1.473
عمان	21.929	بحرین	24.689
عراق	6.862	سوریه	-
مصر	3.314	لبنان	9.928
کویت	52.197	قطر	93.714
لیبی	11.964	تونس	4.316
الجزایر	5.360	مراکش	3.092

Source: The World Bank, 2014.

به عنوان مثال درآمد سرانه قطر ۹۳/۷۱۴ دلار، در حالی که درآمد سرانه یمن ۱/۴۷۳ دلار است که یک اختلاف حدود ۶۳ برابری را نشان می‌دهد. علاوه بر این، درآمد سرانه قطر در برابر کشورهای مصر و مراکش، به ترتیب ۲۸ و ۳۰ برابر است. این امر نشانگر وجود کشورهای ثروتمند و کشورهای تقریباً فقیر در این منطقه است. یکی از دلایل عدم همگرایی در خاورمیانه نشأت گرفته از عدم تمایل کشورهای ثروتمند منطقه در سهم کردن سایر کشورها در ثروت خود است. واتریری در این باره بیان می‌کند که ابرثروتمندها نه نیاز به وحدت دارند و نه برای ایجاد آن تلاش می‌کنند، با این وجود آنان ناگزیر جزء جدایی‌ناپذیر هر نوع طرح وحدت هستند. فقیران بر عکس، هم نیازمند وحدت و هم گهگاهی برای دستیابی به آن تلاش می‌کنند، ولی فاقد اهرم‌های لازم قدرت برای رسیدن به آن هستند. (آلسادیر و بلیک، ۱۳۷۴: ۳۲۷)

۴. بانک توسعه اسلامی و همگرایی اقتصادی خاورمیانه

بانک توسعه اسلامی یکی از مؤسسات بزرگ مالی توسعه‌ای بین‌المللی و از نهادهای تخصصی سازمان همکاری اسلامی محسوب می‌شود. تأسیس این نهاد مالی بین‌المللی حاصل تصمیمات دومین کنفرانس وزرای خارجه کشورهای اسلامی در دسامبر ۱۹۷۰ میلادی در کراچی پاکستان بود. متعاقب آن در اولین کنفرانس وزرای مالی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی در دوحه قطر در دسامبر ۱۹۷۳ میلادی، کشورهای عضو تمایل خود را برای تأسیس بانک اعلام کردند و اعلامیه‌ای توسط نمایندگان ۲۲ کشور عضو سازمان کنفرانس اسلامی امضا شد. سرانجام بانک در ۲۰ اکتبر ۱۹۷۵ فعالیت خود را با ۲۲ کشور اسلامی و با سرمایه اولیه ۷۵۵ میلیون دینار اسلامی^۱ در جده عربستان آغاز کرد. بانک در طول ۳۹ سال فعالیت خود گام‌های مهمی برداشته است و مسیرش را به عنوان یک نهاد مالی بر اساس اصول شریعت

اسلامی آغاز کرد. فعالیت‌های اساسی بانک طبق اساسنامه آن عبارت‌اند از: ۱. سرمایه‌گذاری در پروژه‌های تولیدی، زیربنای و اجتماعی به صورت مشارکت در آن پروژه‌ها یا تأمین مالی آن‌ها از طریق اعطای وام بدون بهره با کارمزد مشخص به بخش‌های خصوصی و عمومی ۲. کمک به توسعه تجارت خارجی، به‌ویژه در مورد کالاهای سرمایه‌ای، در میان کشورهای عضو ۳. ارائه کمک‌های فنی به کشورهای عضو ۴. انجام تحقیقات برای تطبیق فعالیت‌های اقتصادی، مالی و بانکی کشورهای عضو با اصول شریعت اسلامی ۵. قبول سپرده، ایجاد و بهره‌برداری از صندوق‌های تخصصی با اهدافی از قبیل کمک به جوامع اسلامی در کشورهای غیرعضو (web site idb ,Articles of Agreement,2011:p.3)

این بانک از جمله نهادها و سازمان‌های منطقه‌ای است که موجب پیوند فراملی میان کشورهای اسلامی از جمله خاورمیانه شده است. تنها موسسه‌ای است که تمام حوزه‌های خاورمیانه را در بر می‌گیرد. فعالیت‌های بانک در دهه اخیر به شدت گسترش یافته و در حال بررسی تأسیس بازار مشترک در این منطقه است. به نظر می‌رسد این بانک، مراحل نخست مورد نظر نظریه پردازان همگرایی را با فعالیت‌های زیر تأمین کرده است:

تقویت تجارت درون منطقه‌ای

بانک توسعه اسلامی همیشه به تجارت به عنوان یک ابزار حیاتی برای تقویت همکاری اقتصادی میان کشورهای عضو توجه داشته است. این بانک اولین بانک توسعه‌ای چندجانبه بوده است که عملیات مالی تجاری خود را بزودی پس از تأسیس آغاز کرد و شیوه‌های مالی متعددی سازگار با شریعت را برای تقویت عملیات تجاری که به تدریج یکی از حوزه‌های اصلی عملیات فراگیر (جامع) مالی‌اش شد، توسعه داد. شرکت تأمین مالی تجاری بین‌المللی اسلامی (International Islamic Trade Finance Corporation) (ITFC) پنجره تأمین مالی تجاری گروه IDB است که در توسعه بازارها و گسترش ظرفیت‌های تجاری کشورهای عضو مشارکت دارد و در تجارت مؤثرتر به آن‌ها کمک می‌کند. شرکت تأمین مالی تجاری بین‌المللی اسلامی عملیات خود را در ۱۰ ژانویه ۲۰۰۹ آغاز کرده است هدف ITFC هم تقویت تجارت میان کشورهای عضو OIC است و هم میان این کشورها با دیگر شرکای تجاری بین‌المللی است، به گونه‌ای که کشورهای عضو OIC بتوانند درصد بالایی از تجارت درون منطقه‌ای را به خود اختصاص دهند. نبود تأمین مالی تجاری به عنوان یکی از موانع عمده در ارتقای تجارت درونی میان کشورهای OIC محسوب می‌شود. از این رو، در سال ۲۰۱۰ بیش از نیمی از کل مبلغ فراهم‌شده توسط ITFC برای عملیات تأمین مالی تجاری کشورهای کمتر توسعه‌یافته عضو اختصاص پیدا کرد. شرکت تأمین مالی تجاری بین‌المللی اسلامی دستیابی پایدار به حوزه‌های متعددی را فراهم کرده است. در سال ۲۰۱۰، ITFC تلاش برای گسترش بیشتر برنامه همکاری و ارتقای تجارت^۲ (TCPP) را افزایش داد. این برنامه همکاری تجاری و

توسعه، بخش خصوصی و دولتی را تضمین و مشارکت را ساماندهی می‌کند. به سازمان‌های گسترش تجارت کشورهای عضو^۳ (TPOs)، بنگاه‌های اقتصادی کوچک و متوسط^۴ (SMEs) در نمایشگاه‌های بین‌المللی، برگزاری جلسات خریداران - فروشندگان و مأموریت‌های تجاری کمک می‌کند، به طوری که کشورهای عضو باید یک استراتژی توسعه تجارت ملی قابل‌دستیابی را برای همگرایی تجاری تدبیر و به کار گیرند. همچنین ITFC در دستیابی به اهدافش با سازمان‌های مرتبط با تجارت در سطح بین‌المللی - منطقه‌ای و محلی همکاری می‌کند.

علاوه بر این، ITFC در همکاری با مرکز اسلامی توسعه تجارت^۵ (ICDT) ترغیب شد که سازمان تقویت تجارت (TPO) وابسته به سازمان همکاری اسلامی را پایه‌گذاری کند. شبکه TPOs یک پلتفرم برای طراحی و انجام فعالیت‌های ارتقای تجارت و ظرفیت‌سازی است. ITFC پشتیبانی از فعالیت‌های تقویت تجارت TPOs را با سازمان‌دهی و پشتیبانی از مشارکت جمعی در تجارت بین‌الملل و جلسات خریداران - فروشندگان، با تمرکز بر توسعه صنعت حلال در کشورهای عضو ادامه داده است. همچنین قادر است برای اغلب کشورهای عضو، منابع اضافی برای انجام برنامه توسعه تجارت بسیج کند. کل عملیات تجاری فراهم‌شده در سال ۱۴۳۱ هجری به ۲/۵۵ میلیارد دلار رسید. این نشانگر یک افزایش ۱۷/۵ درصد نسبت به سطح سال ۱۴۳۰ با ۲/۱۷ میلیارد دلار است. علاوه بر این، ITFC عملیات خود را به کشورهایی جدید و بخش‌های غیر نفتی جدید گسترش و تسری داده است. گروه IDB برای اینکه به طور مؤثر فعالیت‌های مرتبط با تجارت و نظارت بر مسائل مرتبط با تجارت درونی سازمان همکاری اسلامی هماهنگ شود، گروه کمیته مسائل مربوط به تجارت^۶ (GTRC) را در سال ۱۴۳۰ هجری پایه‌گذاری کرد. همچنین در راستای تقویت تجارت کشورهای عضو، در سال ۱۹۹۷، بانک توسعه اسلامی برنامه‌ای به نام کمک‌های فنی وابسته به سازمان تجارت جهانی راه‌اندازی کرد. این برنامه برای کمک به کشورهای عضو برای ایجاد ظرفیت انسانی و نهادی و پرداختن به چالش‌های تجارت بین‌الملل ایجاد شد. اهداف این برنامه: ۱. کمک به کشورهای عضو در مذاکراتشان برای تضمین پیوستن به سازمان تجارت جهانی. ۲. ارتقای ظرفیت انسانی و نهادی کشورهای عضو که احتمالاً عضو WTO^۷ هستند، به طوری که آن‌ها می‌توانند موافقت‌نامه دور اروگوئه را اجرا کنند. ۳. کمک به کشورهای عضو در هماهنگی مواضع و آمادگی مناسب برای مذاکرات درباره مسائل جدید مربوط به تجارت - است. فعالیت ظرفیت‌سازی انجام‌شده در سال ۱۴۳۱ هجری قمری (۲۰۱۰م) به ترتیب شامل دو دوره آموزش فشرده درباره مهارت‌های مذاکره تجاری و دو سمینار درباره موافقت‌نامه‌های تجارت منطقه‌ای و یک سمینار درباره تسهیل تجارت و موافقت‌نامه‌های همکاری اقتصادی است. به هر حال گروه IDB اولویت بالایی به ارتقای تجارت درون‌گروهی میان کشورهای عضو برای افزایش بیشتر سطح همکاری‌های اقتصادی اختصاص داده است و این امر را با تأکید ویژه بر افزایش تجارت درون‌گروهی از طریق تأمین مالی متنوع و تقویت فعالیت‌ها صورت می‌دهد.

بنابراین، از دیدگاه مکتب ارتباطات، واحدهایی که وارد فرایند همگرایی می‌شوند دارای ارتباط متقابل هستند و این ارتباط متقابل میان واحدها در قالب حجم و میزان معاملات بین واحدها مانند تجارت، مسافرت و دیگر ارتباطات سنجیده می‌شود. از این منظر، تجارت میان کشورهای عضو بانک مقیاس (gauge) مهمی برای اندازه‌گیری گستردگی سطح همکاری اقتصادی میان آنهاست تا نشان دهد همکاری تا چه حد موفق شده است. اقتصاد جهانی در سال ۲۰۰۹ یکی از بدترین رکودها در دهه‌های اخیر را تجربه کرده است و کاهش ۶ درصدی تولید جهانی و کاهش ۱۱ درصدی حجم تجارت جهانی، موجب شد کشورهای عضو بانک در سال ۲۰۰۹ با کاهش ۳۳ درصدی صادرات با حجمی به میزان ۱/۲۶۴ میلیارد دلار در مقایسه با سال ۲۰۰۸ که صادراتی به میزان ۱/۸۸۸ میلیارد دلار داشته باشند با وجود کاهش صادرات، سهم کشورهای عضو از تجارت درونی در کل تجارت از ۱۶/۲ درصد در سال ۲۰۰۸ به ۱۶/۸ درصد در سال ۲۰۰۹ رسید.

ترکیه با صادرات درون‌گروهی کل به میزان ۲۸/۶ میلیارد دلار، عربستان سعودی با ۲۷/۲ میلیارد دلار، امارات متحده عربی با ۲۷/۱ میلیارد دلار، مالزی ۱۷ میلیارد دلار و اندونزی ۱۴/۲ میلیارد دلار، پنج کشور اول در سال ۲۰۰۹ از لحاظ صادرات درون‌گروهی هستند. کل صادرات درون‌گروهی این پنج کشور حدود ۱۱۴/۲ میلیارد دلار است که حدود ۵۷ درصد کل صادرات درون‌گروهی کشورهای عضو بانک است. از سوی دیگر سهم ترکیب‌شده ۳۱ کشور عضو در صادرات درون‌گروهی کمتر از ۵ درصد کل صادرات درون‌گروهی همه کشورهای عضو است. با وجود کاهش ارزش دلار سهم صادرات منطقه‌ای در کل صادرات برخی کشورها بسیار بالا بوده است. برای مثال، لبنان ۷۶/۹ درصد، سوریه ۶۷/۹ درصد و اردن ۵۶ درصد است. گرچه صادرات درون‌منطقه‌ای ۲۴ کشور عضو در حدود ۲۰ درصد کل صادراتشان در سال ۲۰۰۹ باقی مانده است و این میزان برای ۱۵ کشور دیگر عضو کمتر از ۱۰ درصد است.

از طرفی دیگر سهم کشورهای عضو از کل واردات از ۱۹/۱ درصد سال ۲۰۰۸ به ۱۷/۸ درصد در سال ۲۰۰۹ رسیده است، یعنی این حجم از ۲۸۸ میلیارد دلار به ۲۱۶/۶ میلیارد دلار رسید. امارات متحده عربی با ۲۰/۶ میلیارد دلار، ترکیه با ۱۷/۹۷ میلیارد دلار، اندونزی با ۱۵/۱ میلیارد دلار، ایران با ۱۵ میلیارد دلار و پاکستان با ۱۳/۴ میلیارد دلار، پنج کشور اول از لحاظ واردات درون‌گروهی هستند که این کشورها روی هم‌رفته ۳۸ درصد واردات درون‌گروهی ۵۶ کشور عضو را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین سهم واردات درونی از کل واردات در میان ۵ کشور اول به شرح زیر است: سومالی ۵۶/۸ درصد، عراق ۴۹/۱ درصد، سوریه ۴۲/۹ درصد، پاکستان ۴۲/۲ درصد و بورکینافاسو ۳۸/۶ درصد هستند؛ و کشورها با کمترین سهم واردات درونی در سال ۲۰۰۹ شامل سورینام ۰/۹۹ درصد، قزاقستان ۵/۲ درصد، موزامبیک ۶/۲ درصد، نیجریه ۶/۸ درصد و آلبانی ۸/۱ درصد هستند. در سطح منطقه‌ای بالاترین صادرات درون‌منطقه‌ای میان کشورهای عضو در سال ۲۰۰۹ به منطقه GCC به میزان ۶۹/۶۵

میلیارد دلار اختصاص یافته است که ۳۵ درصد ترکیب صادرات درون‌سازمانی همه ۵۶ کشور عضو است. ECO به میزان ۲۵/۷ درصد، ASEAN^۸ به میزان ۱۶ درصد، COMESA^۹ به میزان ۶/۶ درصد در رتبه‌های بعدی هستند.

در ارزیابی عملیات تأمین مالی تجاری گروه IDB در سال ۱۴۳۱ (۲۰۱۰م) افزایش فراوانی به میزان ۲/۶۲ میلیارد دلار - یک افزایش ۳۹۰/۹ میلیون دلاری (۱۷/۵ درصد) بالاتر از سطح سال قبل که ۲/۲ میلیارد دلار بوده - ثبت شده است. کل عملیات تأمین مالی تجاری فراهم‌شده توسط گروه IDB تا پایان سال ۱۴۳۱ هجری ۳۶/۹۶ میلیارد دلار بوده است که تأمین مالی تجاری درونی سازمان همکاری اسلامی میزان ۷۵ درصد کل را به خود اختصاص داده است. (جدول ۴)

به هر حال، افزایش سطح تجارت برای همه کشورهای سودمند است و ماهیت مزایای پویا و متقابل افزایش حجم تجارت و سودمندی‌های مرتبط با آن برای منافع کشورهای عضو IDB موجب افزایش همکاری و همگرایی اقتصادی آن‌ها می‌شود. این امر نشان می‌دهد که کمبود تجارت درون‌گروهی در کشورهای خاورمیانه که یکی از موانع همگرایی یا حداقل گسترش همکاری‌های اقتصادی بود با تمهیدات و برنامه‌های ذکرشده بانک در حال رفع شدن است. در حال حاضر بانک از طریق برنامه‌های متعدد به‌ویژه خطوط اعتباری و تأکید بر شرط استفاده از آن توسط بازرگانان درون کشورهای اسلامی به‌ویژه خاورمیانه، شدت یا به اصطلاح چگالی همکاری‌های درون‌گروهی تجاری را بین کشورهای عضو را گسترش داده است.

تقویت و توسعه بخش خصوصی

با توجه به اینکه بخش خصوصی کشورهای اسلامی بسیار ضعیف‌تر از بخش خصوصی کشورهای صنعتی است، IDB توسعه بخش خصوصی در کشورهای عضو را از طریق فعالیت‌های ICD^{۱۰} و ICIEC^{۱۱} ارتقا می‌دهد. ICD در سال ۱۹۹۹ باهدف پشتیبانی و ارتقای توسعه بخش خصوصی در کشورهای عضو تأسیس شد و محصولات مالی متنوعی شامل ۱. سرمایه‌گذاری مستقیم از طریق مشارکت سهام؛ تأمین مالی مدت‌دار و شراکت مالی کوتاه‌مدت؛ ۲. سرمایه‌گذاری غیرمستقیم عمدتاً برای SMEs از طریق خط مالی ارائه‌شده در بانک‌ها و نهادهای مالی توسعه‌ای ملی و ۳. مدیریت دارایی، ساختار سرمایه‌گذاری و خدمات گوناگون در شرکت‌های خصوصی و دولتی ارائه می‌دهد.

مجموعه عملیات ICD در پایان سال ۱۴۳۱ هجری (۲۰۱۰م) مبلغ ۱/۴۴۷ میلیارد دلار برای ۱۸۹ پروژه عمدتاً در صنایع هدف، سرمایه‌گذاری در اموال غیرمنقول، نفت و گاز، بخش‌های حمل‌ونقل و ارتباطات در کشورهای عضو است. جدای از تقویت و تأمین مالی تجاری، ICD همچنین خدمات بیمه برای ارتقای تجارت درونی و تقویت صادرات از کشورهای عضو به کشورهای غیرعضو ارائه می‌دهد. این کار به وسیله شرکت اسلامی برای بیمه سرمایه‌گذاری و اعتبار صادرات (ICIEC) به اجرا درمی‌آید. ICIEC خدمات بیمه سرمایه‌گذاری و اعتبار

صادرات را در تشویق صادرات از - و گردش سرمایه‌گذاری در- کشورهای عضو فراهم می‌کند. تا پایان سال ۱۴۳۱ هجری، ICIEC'S تعهدات بیمه‌ای در حدود ۱۱/۳ میلیارد دلار- کل تجارت بیمه‌شده به میزان ۸ میلیارد دلار اساساً عملیات بخش خصوصی در تولیدات کارخانه‌ای، پتروشیمی‌ها، کابل‌های برق و دیگر بخش‌ها - را پوشش داده است. (جدول 4) این انعکاس تعهد قوی همکاری در توسعه بخش خصوصی در کشورهای عضو است. در تلاش برای ارتقای اعتبار صادرات و خدمات بیمه سرمایه‌گذاری، ICIEC اولین دفتر نمایندگی خارجی‌اش را در می ۲۰۱۰ در دوی گشود. به هر حال بانک توسعه اسلامی با تقویت بخش خصوصی موجب افزایش نقش آن‌ها در عرصه‌های گوناگون، خصوصاً تجارت می‌شود. این امر باعث می‌شود تجارت منطقه از حالت دولت‌محور خارج شود و به سمت بخش خصوصی تمایل پیدا کند و در واقع، بخش خصوصی سکان‌دار مبادلات تجاری در میان کشورهای منطقه شود. در نتیجه، مبادلات تجاری به مثابه یک عامل دوسویه عمل می‌کنند؛ از طرفی، مانع تأثیرگذاری جدی تنش‌های سیاسی بر روابط میان کشورها می‌شوند و از طرف دیگر، موجب تقویت صلح و بهبود و تقویت و گسترش همکاری‌ها از این حوزه به حوزه‌های دیگر و سطوح بالاتر و عالی‌تری خواهد شد.

۱۳۱۶-۱۳۲۱		۱۳۲۱		۱۳۳۰		۱۳۳۹		۱۳۴۸		۱۳۴۷		موارد
ID/US\$	تعداد	ID/US\$	تعداد	ID/US\$	تعداد	ID/US\$	تعداد	ID/US\$	تعداد	ID/US\$	تعداد	
۴۳۴۸	۱۸۲	۱۶۴۸.۸	۷۲	۱۳۰۵.۶	۴۹	۱۳۵۷.۶	۶۱	-	-	-	-	شرکت تامین مالی تجاری بین المللی اسلامی IIFC
۶۷۰۷		۲۵۵۴.۶		۱۹۸۷.۸		۲۱۶۴.۵		-	-	-	-	
۱۳۶۱	۲۰۸	۴۴	۵	۱۵۵	۱۶	۹۳	۱۸					سایر
۱۹۹۶.۷		۶۷.۷۰		۲۴۳.۶۰		۱۴۳.۴۰						صندوقها/انهادها
۲۰۸۵۲	۱۸۲۳	-	-	-	-	-	-	۱۸۱۷.۴	۸۱			تامین مالی تجاری پیشین
۲۸۲۲۱.۳								۲۷۹۱.۱				
۲۶۵۸۳.۴	۲۳۲۱	۱۷۲۹.۰	۷۷	۱۴۶۰.۷	۶۵	۱۴۵۰.۴	۷۹	۱۸۱۷.۴	۸۱	۳۰۰.۵.۶	۱۳۳	کل عملیاتیهای تامین مالی تجاری
۳۶۹۵۹.۳		۲۶۲۲.۳		۲۳۳۱.۴		۲۳۰۷.۹		۲۷۹۱.۱		۲۹۵۸.۷		عملیاتی کمک ویژه
۵۴۱.۹	۱۳۴۱	۱۳.۵	۵۳	۱۳.۶	۵۰	۱۳.۲	۵۵	۱۷	۶۲	۱۳.۶	۴۷	
۷۰۲.۱		۱۸.۸		۱۹.۴		۲۰.۵		۲۵.۷		۱۸.۴		
۵۵۹۳۳.۹	۷۸۰۰	۴۵۴۷.۳	۳۶۳	۴۷۵۸.۵	۴۸۹	۳۴۶۴.۴	۳۹۶	۳۵۶۰.۶	۳۳۰	۳۵۰۸.۳	۳۶۱	عملیاتیهای تصویب شده ویژه
۷۸۸۵۶.۶		۶۹۶۱.۲		۷۳۳۰.۷		۵۴۸۳.۸		۵۴۶۲.۱		۵۱۶۷.۵		
۵۵۹۳۳.۹	۷۸۰۰	۴۵۴۷.۳	۳۶۳	۴۷۵۸.۵	۴۸۹	۳۷۱۷.۴	۴۱۴	۳۶۰۶.۱	۳۲۷	۳۵۱۳	۳۶۲	کل عملیاتیهای تصویب شده
۷۸۸۵۶.۶		۶۹۶۱.۲		۷۳۳۰.۷		۵۸۸۳.۸		۵۵۳۳.۳		۵۱۷۴.۳		
۷۴۷۹.۸	-	۲۱۲۴	-	۱۴۲۳.۳	-	۱۰۸۲.۷	-	۹۷۲.۲	-	۹۳۸.۹	-	عملیاتیهای ICIEC'S
۱۱۲۹۲.۹		۳۲۵۰		۲۱۳۵		۱۶۷۲.۰		۱۵۳۶.۰		۱۳۹۹		تعهدات بیمه‌ای

SOURCE: IDB Annual reports 1422-1431 HEJRI

تقویت سرمایه‌گذاری در کشورهای عضو

در همه نظریات و الگوهای رشد، سرمایه به عنوان موتور محرکه و عامل نیرومند رشد و توسعه اقتصادی در نظر گرفته شده است. (اکبریان و خرم، ۱۳۹۰: ۱۵۸) و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی یکی از ابزارهای مهم تقویت همگرایی محسوب می‌شود که ممکن است نقشی مهم در پیوند دادن کشورهای مختلف ایفا کند و موجب پیوند میان بازارهای سرمایه و کار شود و درعین حال سطح دستمزدها و بهره‌وری سرمایه در کشورهای میزبان را به سطح کشورهای صادرکننده سرمایه نزدیک‌تر می‌کند و موجب تقویت خصوصی‌سازی و تأمین زیرساخت‌ها می‌شود. (علیشیری و ایزدی، ۱۳۷۹: ۱۹۴) همچنین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ممکن است از طرق گوناگون باعث ترویج تغییرات تکنولوژیکی در کشورهای در حال توسعه شود. این نوع سرمایه‌گذاری ممکن است از رهگذر کمک به بهره‌برداری بیشتر عوامل تولید، ایجاد تغییر در ترکیب محصولات و صادرات، تحقیق و توسعه، اشتغال و آموزش، تأثیرات مهمی از خود بر جای گذارد. (علیشیری و ایزدی، ۱۳۷۹: ۲۰۱)

با این وصف سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی یکی از مهم‌ترین رشته‌های پیونددهنده کشورهای در حال توسعه با کشورهای صنعتی و خود کشورهای در حال توسعه به یکدیگر است. گروه IDB با پذیرش اولویت سرمایه‌گذاری درون‌گروهی میان کشورهای عضو اهمیت زیادی به رشد و توسعه اقتصادی داده است؛ بنابراین، بانک، سرمایه‌گذاری را از طریق بازوان بخش خصوصی _ ICD و ICIEC - به وسیله خطوط مالی در نهادهای مالی توسعه‌ای و بانک‌های

اسلامی ارتقا داده است. بانک در سال ۲۰۰۵ برنامه کمک فنی سرمایه‌گذاری (ITAP)^{۱۲} درون ICIEC را پایه‌گذاری کرد. این برنامه یک برنامه ویژه برای ارتقای سرمایه‌گذاری در کشورهای عضو است.

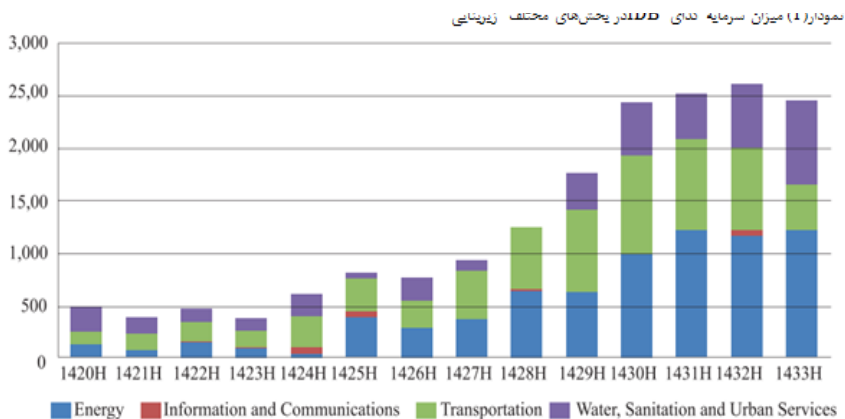
اهداف عمده ITAP کمک به کشورهای عضو در بهبود فضای سرمایه‌گذاری‌شان و شناسایی و تقویت فرصت‌های محتمل سرمایه‌گذاری در تشویق روند سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در این کشورها است. حوزه‌های مورد تمرکز این برنامه شامل توسعه نهادها، اشتراک بهترین شیوه و انتشار اطلاعات در شناسایی فرصت‌های سرمایه‌گذاری در کشورهای عضو است. انواع کمک فنی فراهم‌شده توسط این برنامه، شامل ارزیابی و مطالعات بخشی مورد نیاز ظرفیت‌سازی برای تقویت سمینارها و کنفرانس‌ها، مشاوره سیاسی برای بهبود فضای سرمایه‌گذاری، توسعه شبکه اطلاعات سرمایه‌گذاری در اینترنت و پلتفرم نرم‌افزار مشترک در همسان‌سازی سرمایه‌گذاران با طرح‌ها در کشورهای عضو است.

برنامه کمک فنی سرمایه‌گذاری، نیازهای ویژه کشورهای عضو را برای بهبود و تقویت جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی با مشارکت با سازمان‌های خواهرخوانده از قبیل آژانس تضمین سرمایه‌گذاری چندجانبه (MIGA)^{۱۳}، سازمان توسعه صنعتی ملل متحد (UNIDO)^{۱۴}، کنفرانس ملل متحد در توسعه تجارت (UNCTAD)^{۱۵}، آژانس توسعه صنعتی مالزی (MIDA)^{۱۶}، بانک عرب برای توسعه اقتصادی در افریقا (BADEA)^{۱۷}، خدمت مشاوره سرمایه‌گذاری خارجی (FIAS)^{۱۸} و انجمن جهانی آژانس‌های تقویت سرمایه‌گذاری (WAIPA)^{۱۹} شناسایی می‌کند. همچنین ITAP منطبق با نیازهای کمک فنی در رابطه با انتقال دانش نه تنها از نهادهای همکار خود، بلکه از کشورهای عضو که در عرصه گسترش سرمایه‌گذاری سرآمد هستند استفاده می‌کند؛ بنابراین، این برنامه باعث تقویت سرمایه‌گذاری در کشورهای عضو IDB می‌شود.

ICIEC همچنین بیمه حمایت برای سرمایه‌گذاری درون کشورهای عضو را به میزان ۸۷۰ میلیون دلار تا پایان سال ۱۴۳۱ هجری قمری (۲۰۱۰م) فراهم کرده است. همچنین بانک با تصدیق اهمیت رشد پروژه‌های مشارکت بخش خصوصی (PPP) و دیگر اثرات بالقوه بر کشورهای عضو، در پروژه‌ها از طریق اعمال و مشارکت مستقیم به عنوان یک کاتالیزور در جذب سرمایه‌گذاری در کشورهای عضو عمل می‌کند. در سال ۱۴۳۱ هجری، IDB مبلغ ۲۰۳/۹ میلیون ID (۳۱۶/۹ میلیون دلار) برای پروژه‌های PPP اختصاص داد. اکثر پروژه‌های PPP توسط IDB در سال ۱۴۳۱ هجری تأمین مالی شد. از قبیل طرح پالایشگاه و پتروشیمی جبیل (Jubail) در پادشاهی عربستان سعودی با ۷۸/۱ میلیون ID، فرودگاه AIBO در سنگال با ۶۲/۱ میلیون ID و نیروگاه برق UCH-II در پاکستان با ۵۷/۷ میلیون ID، از جمله این پروژه‌ها بودند. اقتصاد سیاسی سرمایه‌گذاری خارجی از جمله عوامل مهم در گسترش همگرایی در این منطقه است. بانک توسعه اسلامی از طریق تأسیس نهادهایی در این خصوص و تأمین اعتبار برای گسترش آن در خاورمیانه نقش بسزایی داشته است.

تقویت و توسعه زیرساخت‌ها

تسهیل همگرایی اقتصادی، تجارت و سرمایه‌گذاری، از طریق بهبود زیرساخت‌های فیزیکی (مخابرات، انرژی و حمل‌ونقل و غیره) در زمره اهداف بانک توسعه اسلامی است. نبود زیرساخت‌های کافی و تخریب زیرساخت‌های موجود یکی از محدودیت‌های عمده در راه رشد و توسعه اقتصادی در اغلب کشورهای خاورمیانه است. این امر از موانع اقتصادها در بهره‌برداری از مزایا و فرصت‌های حاصل از جهانی شدن است. بعلاوه، به توسعه زیرساخت‌ها در کشورهای در حال توسعه برای به دست آوردن مزایا و سودمندی‌های رشد موجود در منطقه پس از بحران نیاز است. شواهد این حقیقت را تصدیق می‌کند که IDB، از زمان آغاز به فعالیت، کمک توسعه‌ای را در کشورهای کمتر توسعه‌یافته عضو برای زیرساخت‌های روستایی و شهری اساسی فراهم کرده است. بانک، سرمایه‌گذاری زیادی به بخش‌های زیربنایی کلیدی از قبیل انرژی، حمل‌ونقل و آب و فاضلاب به عنوان کاتالیزور رشد اقتصادی کشورهای عضو اختصاص داده است. از سال ۲۰۰۹، IDB کمک‌هایش را برای پروژه‌های زیربنایی برای بهبود وضعیت کشورهای عضو از اثرات بحران افزایش داده است. نمودار (۱) بیانگر میزان سرمایه‌گذاری بانک در امور زیربنایی است.



Source: IDB, 39 years in the service of the development: p.17

همگرایی اقتصادی در منطقه MENA^{۲۰} به بهبود زیرساخت‌های فیزیکی (مخابرات، انرژی، حمل‌ونقل و غیره) نیاز دارد. کل مصوبات برای زیرساخت‌ها ۱۵/۵۶ میلیارد دلار است که ۳۹ درصد به حمل‌ونقل، ۳۸/۷ درصد به بخش انرژی، ۲۰/۳ درصد آب و فاضلاب و خدمات شهری و ۱/۹ نیز به اطلاعات و ارتباطات اختصاص یافته است. برای همگرایی کشورهای عضو، بانک بر فراهم کردن همه اشکال حمل‌ونقل شامل جاده‌ها، فرودگاه و شبکه راه‌آهن در کشورهای عضو تمرکز کرده است. به عنوان نمونه در سال ۱۴۳۱ هجری (۲۰۱۰م)، بانک تعدادی از طرح‌های راه منطقه‌ای از قبیل ۳۹ مایل از جاده ابریشم در ازبکستان، جاده

مرزی N'Djamena-Abech- (Mongol-Mangalme) Sudan در سودان و چهار مایل از کریدور ملی در پاکستان را تأمین مالی کرد. همچنین بانک از توسعه یک مرکز هوایی منطقه‌ای در تسهیل ارتباط هوایی بین کشورهای عضو و بقیه جهان حمایت می‌کند. بانک توسعه اسلامی، همچنین، تأمین مالی پروژه‌ها را در بخش شهری با تمرکز بر پروژه‌های منبع آب شهری و فاضلاب آغاز کرده است. در سال ۱۴۳۱ هجری (۲۰۱۰م) بانک برای پنج پروژه تأمین آب شهری و فاضلاب ۲۰۱/۴ میلیون ID (۳۱۶ میلیون دلار) سرمایه فراهم کرد. در سال ۱۴۳۱ هجری بانک ۱/۸۵ میلیون ID (۲/۸۶ میلیون دلار) تأمین مالی امور زیربنایی برای توسعه نیروگاه‌های برق و مخابرات، حمل‌ونقل، آب و تأسیسات فاضلاب - به عنوان کاتالیزور رشد اقتصادی در کشورهای عضو اختصاص داده است. جدول زیر نمایانگر توجه بانک توسعه اسلامی به امور زیربنایی از آغاز تأسیس تاکنون است. (جدول ۵)

جدول (۵). پروژه‌های مصوب شده ID/ عملیات و کمک های فنی، 1431-1596 هجری قمری (ب/ 2019 تا دسامبر 2019 میلادی) مقدار به میلیون

سال		1396-1431	
بخش	تعداد	ID	US\$
کشاورزی	493	1811.9	2572.4
آموزش	422	1537.7	2142.4
انرژی	201	4089.1	6028
مالی	255	797.2	1149.7
بهداشت	259	906.7	1265.2
صنعت و معدن	208	1764.6	2464.5
اطلاعات و ارتباطات	54	205.4	290.8
مدیریت دولتی	68	40.7	56.1
تجارت	35	36.6	53.4
حمل و نقل	390	4152.9	6080.5
آب، فاضلاب و خدمات شهری	262	2200.5	3167.3
کل	2647	17543.3	25270.3

SOURCE: IDB ANNUAL REPORT 1431 H

تقویت توسعه نیروی انسانی (الف) تقویت سطح آموزش

نوکارکردگرایان در جریان همگرایی نقش مهمی برای عامل اراده انسانی قائل‌اند و همگرایی را نتیجه اراده سیاسی برای چیره شدن به الزام‌های ناشی از نیازها و پیچیدگی‌های فنی می‌دانند. از این حیث بانک با ارائه خدمات آموزشی تقویت‌کننده اراده کشورهای عضو در گسترش روابط است. این اقدام بانک کمک خیلی بزرگی به کشورهای عضو از طریق افزایش دسترسی به آموزش در همه سطوح از جمله ابتدای و متوسطه می‌کند. مداخله بانک در بخش آموزش با

تمرکز بر ۱. آموزش پایه به خصوص آموزش دو زبان با هم. ۲. آموزش تخصصی مشاغل. ۳. علوم و ریاضیات. ۴. آموزش غیررسمی، ادامه پیدا می‌کند. همچنین در سال ۲۰۰۸، IDB آموزش مشاغل را برای برنامه کاهش فقر زیر نظر ISFD^{۲۱} با هدف کاهش فقر میان زنان و جوانان در مناطق روستایی با فراهم کردن مهارت و دسترسی به حداقل سرمایه آغاز کرد. بدین نحو آن‌ها را در فراهم‌سازی شرایط زندگی‌شان توانا می‌سازد. تمرکز برنامه بر نوجوانان، زنان کارگر، بزرگسالان است. به طوری که تا پایان سال ۱۴۳۱ هجری قمری (۲۰۱۰م) کل تأمین مالی برای بخش آموزش ۱/۵ میلیارد ID (۲/۱۴ میلیارد دلار) برای ۴۲۲ عملیات به میزان ۶۳ درصد کل مصوبات بخش اجتماعی بود.

(ب) توسعه ظرفیت در علم و تکنولوژی

توسعه علم و تکنولوژی (S&T)^{۲۲} برای توسعه پایدار هر کشوری در جهان امروز امری حیاتی است. دینامیک S&T در افزایش بهره‌وری و رقابت بخش خصوصی و دولتی ضروری است. قدرت‌یابی بخش خصوصی نیز موجب تقویت همکاری‌های منطقه‌ای و دوام آن خواهد بود. بانک توسعه اسلامی تأثیر مثبت توسعه علم و تکنولوژی را در توسعه اقتصادی به رسمیت می‌شناسد و توجه ویژه‌ای را به ظرفیت‌سازی انسانی و نهادی فعالیت‌های تأمین مالی S&T دارد. برنامه ظرفیت‌سازی در S&T بر همکاری جنوب- جنوب برای انتقال دانش و تکنولوژی و مشارکت در تحقیقات علمی در میان کشورهای عضو بانک تمرکز دارد. از آغاز برنامه در ۱۴۲۵ هجری (۲۰۰۴م) تا پایان سال ۱۴۳۱ هجری (۲۰۱۰م)، بانک عملیات/ برنامه‌های فرعی به میزان ۵/۹ میلیون دلار انجام داده است. علاوه بر این، نهاد آموزش و تحقیقات اسلامی (IRTI) فعالیت‌های دانش‌سازی متنوعی در سال ۱۴۳۱ هجری قمری با تمرکز بر حوزه‌های بنیادی شامل خدمات مالی اسلامی و توسعه انسانی پایدار و فراگیر اتخاذ کرده است. در همین رابطه، تعدادی سمینار، کنفرانس و برنامه‌های آموزش حرفه برگزار کرده است.

(پ) گسترش برنامه‌های بورسی تحصیلی

هدف از برنامه بورسیه IDB، توسعه انسانی دانش‌محور در کشورهای عضو و جوامع مسلمان در کشورهای غیر عضو است. سه نوع برنامه بورسیه وجود دارد: ۱. برنامه بورسیه برای جوامع مسلمان در کشورهای غیر عضو. ۲. برنامه بورسیه شایستگی. ۳. برنامه بورسیه کارشناسی ارشد برای علوم و تکنولوژی. در مجموع، کل تعداد دانش‌آموختگان از کشورهای عضو و غیرعضو تحت سه برنامه بورسیه، بیشتر از ۶۰۰۰ نفر است. اکثریت آن‌ها با یک درآمد کافی در کشورهای خود مشغول به کار می‌شوند. در کنار برنامه‌های فوق، بانک، فعالیت‌های دیگری شامل فعالیت‌های راهنمایی و مشاوره، پاداش رهبری عالی و کارگاه‌های آموزشی توسعه جامعه را باهدف آماده‌سازی دانشمندان برای ایفای نقش رهبری در توسعه جامعه و کشور متبوعشان آغاز کرده است.

ت) پشتیبانی از همکاری فنی

توسعه منابع انسانی به عنوان یکی از فاکتورهای خیلی مهم رشد و توسعه اقتصادی پایدار مورد توجه است؛ بنابراین، IDB با پی بردن به این حقیقت، برنامه کمک فنی (TCP^{۲۳}) خود را در سال ۱۴۳۱ هجری (۲۰۱۰ م) برای ارتقای کیفیت منابع انسانی و ایجاد ظرفیت نهادی که موجب توسعه اقتصادی- اجتماعی در کشورهای عضو می‌شود را پایه‌گذاری کرد. برنامه کمک فنی (TCP) یکی از بازوان اصلی IDB برای توسعه منابع انسانی در کشورهای عضو، یک برنامه جنوب- جنوب است که بر انتقال و تبادل مهارت‌ها، دانش و آگاهی میان کشورهای عضو تمرکز دارد. این برنامه آموزش‌های شغلی، تسهیل آشنایی بازدیدکنندگان و استخدام کارشناسان، مطالعات سرمایه‌گذاری و سازمان‌دهی سمینارها و کارگاه‌ها را فراهم می‌سازد. حوزه‌های اولویت‌دار شناسایی‌شده برای برنامه، حوزه‌های مالی، آموزشی، کشاورزی، محیط‌زیست و با توجه ویژه به کشورهای در حال گذار (CIT^{۲۴}) و LDMCs است. تا پایان سال ۱۴۳۱ هجری ۱۸۱۸ عملیات با مبلغ ۴۲/۴ میلیون دلار تحت پوشش برنامه قرار گرفته‌اند. تاکنون تحت این برنامه ۱۴۴۳۸ نفر آموزش دریافت کرده‌اند؛ ۴۶۸ کارشناس میان کشورها تبادل شده است و ۱۷۳۳۳ متخصص توانسته‌اند دانش و تجربه خود را در جلسات مختلف به اشتراک بگذارند.

برنامه کاهش فقر

کاهش فقر و توسعه اقتصادی بادوام در کشورهای عضو از اهداف تحت پوشش IDB است. چشم‌انداز ۱۴۴۰ هجری (۲۰۱۹ م) بانک توسعه اسلامی بیان می‌کند که بانک مجمعی برای کاهش فقر و فراهم آوردن استانداردهای زندگی مردم/ شهروندان در کشورهای عضو و در جوامع مسلمان در کشورهای غیر عضو است. در دست‌یابی به این اهداف و بررسی تأثیر منفی بحران اقتصادی و مالی اخیر بر اقتصاد کشورهای عضو، مساعدت توسعه‌ای حوزه فعالیت بانک با دو برابر کردن رشد منابع سرمایه‌عادی (OCR^{۲۵}) از ۱۵٪ به ۳۰٪ در طی سه سال ۱۴۳۰ هجری قمری (۲۰۰۹-۲۰۱۱ م) آن‌ها را تأمین مالی می‌کند، به طوری که در پایان سال ۱۴۳۱ هجری کل مصوبات تأمین منابع عادی اختصاص‌یافته به کشورهای کمتر توسعه‌یافته ۱۲/۴ میلیارد ID (۱۷/۸ میلیارد دلار) برای ۲۰۴۸ پروژه بوده است. در همین راستا و برای کاهش فقر، صندوق همبستگی اسلامی برای توسعه رسماً در سی و دومین جلسه هیئت‌مدیره IDB که در داکار سنگال در ماه می ۲۰۰۷ آغاز به کار کرد. صندوق با وقف ۱۰ میلیارد دلار پایه‌گذاری شد. ISFD از زمان آغاز به کار در سال ۲۰۰۸، سرمایه ۵۸ طرح کاهش فقر به میزان ۸۸۱ میلیون دلار در ۲۸ کشور عضو تأمین کرده است. همچنین یک بخش از استراتژی پنج ساله ISFD (۲۰۰۸-۲۰۱۲) بر برنامه‌های بنیادی تمرکز کرده است. این برنامه‌ها عبارت‌اند از ۱. برنامه حرفه‌آموزی. ۲. برنامه‌ی پشتیبانی از سرمایه‌گذاری‌های خرد. (MFSP^{۲۶}) که هدف اصلی MFSP فراهم‌سازی شرایط زندگی برای فقرا است. هزینه برنامه

تقریباً ۵۰۰ میلیون دلار برای یک دوره پنج ساله است. این اهداف به طور مستقیم با دستیابی به اهداف توسعه هزاره (MDGs^{۲۷}) که اخیراً در مرکز طرح‌های توسعه ملی و برنامه‌های کاهش فقر کشورهای عضو است پیوند خورده است. تأمین مالی فراهم‌شده توسط صندوق در دوره‌های واگذاری، اصولاً به ۲۸ کشور کمتر توسعه‌یافته عضو اختصاص می‌یابد.

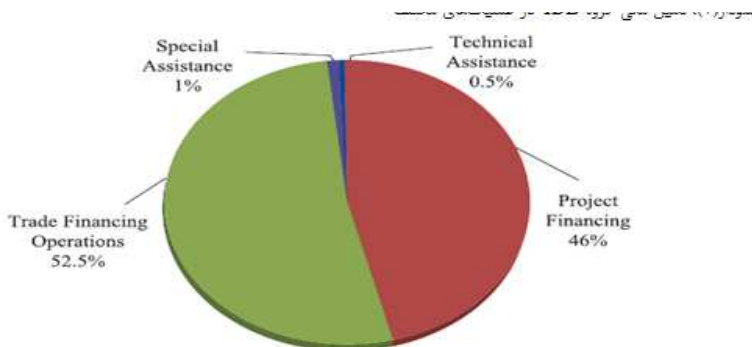
با توجه به مباحث فوق، اقدامات و فعالیت‌های بانک برای کاهش فقر و توسعه نیروی انسانی، در اندازه خود، از یک طرف موجب کاهش شکاف درآمدی بین فقرا و ثروتمندان در جوامع عضو و از طرف دیگر موجب کاهش اختلاف سرانه درآمد میان کشورهای عضو می‌شود. همچنین این اقدامات بانک موجب بهبود وضعیت درونی جوامع عضو خواهد شد و از یک طرف باعث افزایش امنیت اجتماعی در این جوامع می‌شود و از طرف دیگر، این مسئله بر ثبات داخلی کشورها تأثیرگذار بوده است و کشورها با اطمینان از ثبات و آرامش داخلی بیشتر به هم اعتماد کرده، تمایل بیشتری به همکاری پیدا می‌کنند و حوزه‌های جدیدی و سطوح بالاتری را برای همکاری انتخاب می‌کنند.

افزایش عملیات همیاری ویژه

برنامه همیاری ویژه در سال ۱۴۰۰ هجری قمری (۱۹۸۰ میلادی) آغاز شد. و با هدف کمک به رهایی از بلاهای غیرمترقبه و کمک به قربانیان مصائبی از قبیل جنگ، زلزله و سیل گسترش پیدا کرد. این برنامه به جوامع مسلمان در کشورهای عضو در فراهم کردن شرایط زندگی از طریق ظرفیت‌سازی در بخش اجتماعی (آموزش، بهداشت) کمک می‌کند. این برنامه همچنین به انجام تعدادی طرح پشتیبانی در همکاری با سازمان‌های بشردوستانه دیگر از قبیل برنامه حمایت از قربانیان سیل در بنگلادش اختصاص می‌یابد. کل مصوبات تحت برنامه کمک ویژه تا پایان سال ۱۴۳۱ هجری (۲۰۱۰م) ۵۴۱/۹ میلیون ID (۷۰۲/۱ میلیون دلار) برای ۱۳۴۱ عملیات در کشورهای عضو و ۱۹۵/۹ میلیون ID (۲۶۳/۹ میلیون دلار) برای ۸۴۲ عملیات در سازمان‌ها و جوامع مسلمان در کشورهای غیر عضو بوده است.

با این حال، در یک نظر کلی تا پایان سال ۱۴۳۱ هجری قمری، کل میزان تأمین مالی گروه IDB برای هر سه نوع عملیات عمده به مقدار ۴۹/۷ میلیارد ID (۷۰/۳ میلیارد دلار) برای ۶۸۹۵ عملیات بوده است. عملیات تأمین مالی تجاری به مقدار ۵۲/۵ درصد از کل تأمین مالی، بیش‌ترین سهم را به خود اختصاص داده است و عملیات تأمین مالی پروژه‌ها با ۴۶ درصد، کمک‌های فنی با ۵ درصد و همیاری ویژه با ۱ درصد در رده‌های بعدی قرار می‌گیرند.

(نمودار ۲)



Source: IDB, 37 years in the service of the development: p.3

بنابراین، با توجه به اینکه کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا بخش عمده اعضای بانک را به خود اختصاص داده‌اند به صورت طبیعی بیشتر فعالیت‌های بانک نیز به همین منطقه اختصاص پیدا می‌کند. در فاصله سال‌های ۱۴۳۱-۱۳۹۶ هجری قمری (۲۰۱۰-۱۹۷۶ میلادی) در بین کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا پنج کشور ایران، ترکیه، عربستان، مصر، الجزایر به ترتیب بیش‌ترین سهم از مجموع عملیات چهارگانه فوق را به خود اختصاص داده‌اند. ایران با اختصاص ۲۷۲ عملیات به میزان ۴/۷۵۳ میلیارد دلار در رده نخست استفاده از تسهیلات بانک است و پس از ایران، ترکیه با ۴۰۵ عملیات به میزان ۴/۶۹۴ میلیارد دلار، عربستان با ۲۷۸ عملیات به میزان ۴/۴۰۹ میلیارد دلار، مصر با ۱۷۹ عملیات به میزان ۳/۲۳۶ میلیارد دلار و الجزایر با ۲۴۶ عملیات به میزان ۲/۴۸۹ میلیارد دلار، در رتبه‌های بعدی قرار دارند. (جدول ۶)

جدول (۶). کل عملیاتهای گروه IDB لایا شیوههای عمده تامین مالی ۱۴۳۱-۱۳۹۶ هجری (۱۹۷۶ تا ۲۰۱۰ میلادی)، مقدار به میلیون

نام کشور	پروژه‌های تأمین مالی			کمک فنی			تأمین مالی تجاری			عملیات‌های همیاری ویژه			جمع کل	
	تعداد	ID	US\$	تعداد	ID	US\$	تعداد	ID	US\$	تعداد	ID	US\$	ID	US\$
افغانستان	۶	۵۱	۷۶٫۹	۳	۰٫۹	۱٫۴	۰	۰	۰	۳۱	۱۱٫۷	۱۵۸	۶۳٫۶	۹۴٫۱
آذربایجان	۳۱	۴۷۱٫۷	۷۰۶٫۹	۱۲	۳٫۲	۳٫۲	۸	۵۳٫۴	۷۸٫۹	۴	۱٫۵	۲	۵۲۷٫۸	۷۹۱
بحرین	۹۱	۹۵۰٫۹	۱۳۸۵۸	۶	۰٫۹	۱٫۳	۱۹	۲۰۳٫۵	۳۸۶٫۵	۰	۰	۰	۱۱۵۵٫۳	۱۶۷۳٫۶
مصر	۴۴	۶۳۷٫۸	۹۰۷٫۸	۱۳	۲٫۸	۳٫۹	۱۱۸	۱۶۲۶٫۹	۲۳۲۳٫۴	۴	۱٫۱	۱٫۵	۲۳۴۸٫۶	۲۳۲۶٫۷
ایران	۷۶	۱۵۷۷٫۹	۲۲۵۲٫۱	۱۵	۴٫۳	۶٫۶	۱۷۴	۱۷۱۵	۲۴۸۱٫۸	۷	۱۰٫۰	۱۳٫۳	۳۳۶۷٫۲	۴۷۵۳٫۸
عراق	۷	۵۳٫۴	۶۸٫۳	۸	۰٫۹	۱٫۳	۳۵	۲۶۴٫۹	۳۰۱٫۳	۱۲	۴	۵٫۵	۳۳۳٫۳	۳۷۶٫۲
اردن	۶۵	۶۵۴٫۳	۹۱۷٫۷	۲۳	۴٫۸	۶٫۵	۶۹	۶۷۸٫۹	۸۲۴٫۸	۱	۰٫۳	۰٫۳	۱۳۳۸٫۲	۱۷۴۹٫۳
کویت	۲۷	۱۸۵٫۲	۲۶۸٫۵	۷	۱٫۳	۱٫۶	۴۸	۷۶۳٫۱	۱۱۳۱	۴	۶٫۵	۷٫۵	۹۵۶٫۰	۱۴۰۹٫۱
لبنان	۵۱	۵۸۷٫۸	۸۲۵٫۹	۸	۳٫۹	۵٫۷	۱۱	۱۵۷٫۹	۲۲۱٫۵	۳۱	۷	۹٫۸	۷۵۶٫۶	۱۰۶۳٫۹
الجزایر	۴۰	۴۴۶٫۹	۵۹۱٫۷	۱۱	۳٫۰	۴٫۰	۱۸۸	۱۴۹۰۰	۱۸۸۸٫۷	۷	۴٫۵	۵٫۶	۱۹۹۴٫۴	۲۴۸۹٫۱
لیبی	۱۷	۳۸۰٫۹	۳۸۶	۴	۲٫۴	۳٫۳	۱۰	۲۳۰	۲۹۹٫۸	۲	۲٫۹	۳٫۸	۵۱۶٫۲	۶۹۲٫۸
مراکش	۵۹	۱۱۱۳٫۳	۱۶۱۹٫۷	۲۱	۳٫۹	۵٫۵	۱۱۷	۱۷۳۱٫۹	۲٫۳۸۹٫۳	۴	۱٫۲	۱٫۵	۲۸۴۰٫۳	۴۰۱۶
عمان	۳۶	۴۵۰٫۷	۵۹۸٫۱	۷	۱٫۸	۲٫۴	۱	۱٫۴	۲	۲	۰٫۴	۰٫۵	۴۵۴٫۳	۶۰۳
قطر	۳۲	۳۸۹٫۳	۵۹	۱	۰٫۱	۰٫۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۳۸۹٫۴	۵۹۰٫۱
عربستان	۹۱	۱۱۱۵٫۹	۱۶۵۴٫۹	۲۳	۲٫۶	۳٫۷	۱۶۲	۱۸۷۹٫۴	۲۷۵۰٫۹	۲	۰٫۱	۰٫۱	۲۹۹۸	۴۴۰۹٫۶
سوریه	۳۸	۶۴۳٫۳	۹۲۱٫۲	۷	۱٫۱	۱٫۶	۲۵	۱۰۸۸	۱۳۰۵	۱	۰٫۳	۰٫۳	۷۵۳٫۴	۱۰۵۳٫۵
تونس	۵۳	۷۵۷٫۲	۱۱۰۷۰	۹	۱۰۷	۲۰۵	۱۶۰	۸۰۳٫۹	۱۰۹۴٫۹	۴	۳٫۳	۴٫۲	۱۵۶۶٫۱	۲۴۰۸٫۶
ترکیه	۹۴	۱۰۳۵٫۲	۱۴۴۲٫۱	۸	۳٫۹	۵٫۲	۴۹۸	۲۴۲۱٫۱	۳۲۲۶٫۲	۵	۱۷	۲۰٫۴	۳۳۶۷٫۲	۴۶۹۳٫۹
امارات	۹۰	۵۰۴٫۳	۷۵۶٫۹	۰٫۸	۰٫۷	۰٫۹	۱۹	۳۲۹٫۵	۴۶۹٫۷	۰	۰	۰	۸۳۴٫۵	۱۲۲۶٫۶
یمن	۵۸	۳۵۹۸	۵۱۵٫۷	۲۸	۶٫۸	۹٫۱	۴۱	۳۵۱٫۹	۴۲۰٫۳	۸	۷٫۱	۸٫۶	۷۳۵٫۷	۹۵۳٫۷

SOURCE: IDB Annual report 1431H, P.x

نتیجه‌گیری

فعالیت‌های بانک توسعه اسلامی از جمله سرمایه‌گذاری مالی، اعطای کمک‌های فنی، انجام تحقیقات و آموزش نیروی انسانی، مشارکت در طرح‌های عمرانی، اعطای تسهیلات و گسترش مبادلات تجاری و غیره با متغیرها و شاخص‌های مدنظر نظریه‌های کارکردگرایی و نوکارکردگرایی و مکتب ارتباطات انطباق دارند، زیرا به طور مشخص کارکردگرایان بر همکاری تأکید دارند و اذعان می‌کنند که در عرصه اقتصاد، همکاری راحت‌تر ممکن است صورت بگیرد. اقدامات بانک توسعه اسلامی از منظر مکتب ارتباطات به این دلیل حائز اهمیت است که این مکتب معتقد است هر چه ارتباطات اجتماعی و تبادلات اقتصادی میان جوامع بیشتر باشد به همان اندازه مردم و جوامع بیشتر به هم پیوند می‌خورند و به جای منازعه به همکاری روی می‌آورند و هر چه میزان ارتباط و وابستگی متقابل جوامع بیشتر باشد آن جوامع به هم نزدیک‌تر شده، درنهایت با هم همگرا می‌شوند. فعالیت‌های بانک در رابطه با مکتب نوکارکردگرایان از این جهت قابل‌تحلیل است که نوکارکردگرایان فکر خود را بر مسائل اقتصادی معطوف می‌دارند و معتقدند که تصمیمات اقتصادی بر گزینه‌های ملتهب سیاسی به صورت تدریجی غلبه خواهند کرد و وابستگی ابعاد مختلف حیات اقتصادی موجب می‌شود که هر اقدام برای همکاری در یک بخش موجب و مستلزم همکاری در بخش‌های دیگر می‌شود

و همکاری در یک بخش به بخش‌های دیگر سرریز می‌کند و در نهایت موجب نیل به همگرایی می‌شود.

این بانک با توجه به فعالیت‌های فراگیر خود در حوزه‌های مختلف، در ابعاد گوناگونی با کشورهای عضو خود مبادرت به همکاری می‌کند و مانند یک زنجیر آن‌ها را به هم پیوند می‌دهد. اغلب فعالیت‌های بانک توسعه اسلامی در راستای تقویت تجارت میان کشورهای عضو و به‌خصوص کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا است و به تجارت به عنوان یک ابزار حیاتی برای تقویت همکاری اقتصادی و یکی از شاخص‌های مهم همگرایی میان کشورهای عضو توجه داشته است. علاوه بر تقویت تجارت در منطقه، بانک مبادرت به تقویت و توسعه بخش خصوصی از طریق فعالیت‌های ICD و ICIEC می‌کند. ICD محصولات مالی متنوعی به شکل سرمایه‌گذاری مستقیم و غیرمستقیم به بخش‌های گوناگون در کشورهای عضو اختصاص می‌دهد. این امر باعث می‌شود تجارت منطقه از حالت دولت‌محور خارج شود و کمتر تحت تأثیر تنش‌های سیاسی میان دولت‌ها منطقه قرار گیرد و از طرفی موجب بهبود و تقویت صلح می‌شود و همکاری میان کشورها را تحکیم می‌بخشد.

علاوه بر این، بانک مبادرت به تقویت سرمایه‌گذاری در کشورهای عضو کرده است. سرمایه‌گذاری یکی از ابزارهای مهم تقویت همگرایی محسوب می‌شود که ممکن است نقشی مهم در پیوند دادن کشورهای مختلف ایفا کند. بانک همچنین مبادرت به تقویت و توسعه زیرساخت‌های گوناگون در کشورهای عضو می‌کند و اعتبارات زیادی در بخش‌های همچون آموزش، بهداشت، زیرساخت‌های فیزیکی (مخابرات، انرژی و حمل‌ونقل، جاده‌ها، فرودگاه و غیره) و غیره اختصاص داده است. اعتقاد بانک بر این است که بهبود زیرساخت‌ها موجب تسهیل همگرایی اقتصادی میان کشورهای عضو می‌شود.

بانک توجه ویژه‌ای نیز به توسعه نیروی انسانی دارد و بنابراین، سعی می‌کند از طریق بهبود شرایط آموزش در کشورهای عضو به شیوه‌های گوناگون - اعطای بورسیه‌های گوناگون تحصیلی، برگزاری سمینارها و توسعه علم و تکنولوژی، پشتیبانی از همکاری فنی ...- نیروی انسانی این جوامع را تحت آموزش قرار دهد تا نقش رهبری توسعه کشورهای خود را بر عهده گیرند. طبیعتاً یک نیروی انسانی توسعه‌یافته به نحو بهتری امکان درک نقاط اشتراک را دارد و تلاش خود را در گسترش و تعمیق همکاری فراملی قرار خواهد داد. در کنار این مسئله باید به برنامه‌های بانک در راستای کاهش فقر نیز اشاره کرد که این برنامه‌ها تا حدودی شکاف میان فقیر و غنی را در کشورهای عضو کاهش می‌دهد و بنابراین، کشورهای عضو از این لحاظ آسیب‌پذیری کمتری خواهند داشت و با اطمینان از ثبات داخلی، مبادرت به تعمیق همکاری با کشورهای دیگر می‌کنند.

در مجموع، در حال حاضر این بانک تنها نهادی است که در حوزه اقتصادی، همه کشورهای خاورمیانه را در بر می‌گیرد و در تمام این کشورها فعالیت دارد. به دلیل آنکه منطقه خاورمیانه

یک منطقه آشوب و در نظریات روابط بین‌الملل فاقد معیار است و تأسیس سازمان‌های سیاسی و اقتصادی مانند اتحادیه اروپا، آسه آن یا نفتا با توجه به ویژگی‌های ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی آن ممکن نیست، در حال حاضر تنها بانک توسعه اسلامی است که در نزدیک کردن آن‌ها به یکدیگر و رفع برخی موانع زیرساختی اقتصادی ممکن است تأثیرگذار باشد. این بانک در همکاری که یکی از مراحل همگرایی است با تقویت تجارت درون‌گروهی و سرمایه‌گذاری منطقه‌ای نقش اساسی ایفا کرده است و توانسته مرحله خیز، اشاعه و سرایت مورد نظر نظریه‌پردازان را تأمین کند.

یادداشت‌ها

۱. دینار اسلامی (ID) واحد محاسباتی بانک است که معادل ارزش یک حق برداشت ویژه صندوق بین‌المللی پول است.

2. Trade Cooperation Promotion Programme
3. Trade Promotion Organizations
4. Small&Medium Enterprises
5. Islamic Center for Development of Trade
6. Group Trade-Related Issues Committee
7. World Trade Organization
8. the Association of South East Asian Nations.
9. Common Market of Eastern and Southern Africa
10. Islamic Corporation For The Development of the Private Sector
11. The United Nations Industrial Development Organization
12. The United Nations Conference on Trade and Development
13. Malaysian Investment Development Authority
14. Arab Bank for Economic Development in Africa
15. Foreign Investment Advisory Service
16. World Association of investment Promotion Agencies
17. Public Private Partnerships
18. Middle East and North Africa
19. International Islamic Trade Finance Corporation
20. Science and Technology
21. Technical Cooperation Programme
22. Countries In Transition
23. Ordinary Capital Resouces
24. Microfinance Support Programme
25. Millennium Development Goals

کتابنامه

الف - منابع فارسی

۱. آلاسداير، دراسيدل؛ بليک، جرالډ، ۱۳۷۴، جغرافياي سياسي خاورميانه و شمال افريقا، ترجمه دره ميرحيدر، تهران، دفتر مطالعات سياسي و بين الملل چاپ اول.
۲. دوئرتي، جيمز؛ فالتزگراف، رابرت، ۱۳۸۴، نظريه‌هاي متعارض در روابط بين الملل، مترجمان: عليرضا طيب و وحيد بزرگي، تهران، نشر قومس، چاپ چهارم.
۳. سيف زاده، حسين، ۱۳۶۸، نظريه‌هاي مختلف در روابط بين الملل، تهران، نشر سفير چاپ اول.
۴. عزيزيان، افشين، ۱۳۷۲، وحدت اروپا در تئوري و عمل، تهران، انتشارات چاپخش، چاپ اول.
۵. قوام، عبدالعلي، ۱۳۷۰، اصول سياست خارجي و سياست بين الملل، تهران، انتشارات سمت، چاپ اول.
۶. کاظمي، علي اصغر، ۱۳۷۰، نظريه‌هاي همگرایی در روابط بين الملل (تجربه جهان سوم)، تهران، نشر قومس، چاپ اول.
۷. مشيرزاده، حميراء، ۱۳۸۶، تحول در نظريه‌هاي روابط بين الملل، تهران، انتشارات سمت، چاپ سوم.
۸. اخوان کاظمي، بهرام، (۱۳۸۳)، «نقش سازمان‌هاي منطقه‌اي در پايداري امنيت کشورهاي عضو»، ماهنامه اطلاعات سياسي و اقتصادي، تهران، موسسه اطلاعات، شماره ۲۱۰-۲۰۹، ص ۱۷۳-۱۶۴.
۹. اکبريان، رضا؛ خرم، زهرا، (۱۳۹۰)، «جذب سرمايه‌گذاري خارجي»، ماهنامه اطلاعات سياسي و اقتصادي، تهران، موسسه اطلاعات، شماره ۲۸۳، صص ۱۵۹-۱۴۸.
۱۰. عليشيري، بهروز؛ ايزدي، پيروز، (۱۳۷۹)، «سرمايه‌گذاري مستقيم خارجي، توسعه جهان سوم و همگرایی جهاني»، ماهنامه اطلاعات سياسي و اقتصادي، تهران، موسسه اطلاعات، شماره ۱۵۲-۱۵۱، صص ۲۰۵-۱۹۴.
۱۱. قاسمي، فرهاد، (۱۳۸۴)، «طرح مفهومي و نظري مطالعات منطقه‌اي در سياست بين الملل»، مجله دانشکده حقوق و علوم سياسي، تهران، دانشگاه تهران، شماره ۶۷، صص ۱۹۷-۱۵۹.
۱۲. محمدي، يداالله، (۱۳۷۰)، «همگرایی و سير تطور و تکامل آن»، فصلنامه مصباح، تهران، دانشگاه امام حسين (ع) سال اول، شماره ۱، صص ۷۳-۵۸.

ب - منابع انگليسي

13. Deutsch, Karl. (1965) "Nationalism and social Communication", Cambridge, Massachusetts: M.I.T. press.

14. IDB Articles of Agreement (2011), "Agreement Establishing the Islamic development Bank, www.isdb.org/irj/go/km/docs/documents/IDBDevelopments/Internet/English/ID

[B/CM/About%20IDB/Articles%20of%20Agreement/IDB_Articles-of-Agreement.pdf](#)

15. IDB Annual reports (1422- 1430), Annual reports in web site idb, <http://www.isdb.org/irj/portal/anonymous?NavigationTarget=navurl://0b4fc07088549fb613bee94900acd775>

16. IDB 37 years In The service of Development(2011), Director Economic Research and Policy Department Islamic Development Bank P. O. Box 5925, Jeddah-21432, Saudi Arabia, www.isdb.org/irj/go/km/docs/documents/IDBDevelopments/Internet/English/IDB/CM/Publications/37YearsInDevelopment.pdf

17.IDB Annual report 1431H (2011),Annual reports in web site idb, www.isdb.org/irj/go/km/docs/documents/IDBDevelopments/Internet/English/IDB/CM/Publications/Annual_Reports/36th/AnnualReport36.pdf

18. IDB 39 years In The service of Development(2013), Director Economic Research and Policy Department Islamic Development Bank P. O. Box 5925, Jeddah-21432, Saudi Arabia, www.isdb.org/irj/go/km/docs/documents/IDBDevelopments/Internet/English/IDB/CM/Publications/39YearsInDevelopment.pdf

19. The World Bank(2014). The World Bank,data, indicators, GDP per capita2010-2014 in web site data.worldbank.org/indicator/NY.GDP.PCAP.CD.

20.World Trade Organization(WTO).(2014), International Trade Statistics 2007-2014 in web site WTO, http://www.wto.org/english/res_e/statis_e/its_e.htm